

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۷ - سه‌شنبه ۹۱/۹/۲۱

اصالة التخییر

اصالة التخییر مربوط به عملی است که مکلف با وجود علم به تکلیف الزامی در شرایطی قرار می‌گیرد که راه احتیاط بر او بسته است و نمی‌تواند احتیاط کند. اگر عمل واحد متعلق الزام هم محتمل الحرمة باشد و هم محتمل الوجوب، در این صورت مکلف نمی‌تواند هم آن کار را انجام دهد و هم ترک کند. اینکه وظیفه‌ی مکلف در این حالت چیست (عقلاً و شرعاً) موضوع این بحث است. در این بحث صوری مطرح است؛ زیرا ممکن است واقعه‌ای که مورد ابتلا قرار گرفته است توصلی محض باشد یا یک طرف آن توصلی و طرف دیگر آن تعبدی باشد و یا امکان دارد هر دو طرف آن تعبدی باشد.

مثال برای حالتی که هر دو طرف مسئله توصلی است

فرض کنید کسی فراموش کرده است که قسم یاد کرده برای انجام کاری یا عدم انجام همان کار؛ مثلاً قسم یاد کرده که روز سه‌شنبه‌ی خاصی به مسافرت برود یا قسم یاد کرده است روز سه‌شنبه‌ی خاصی مسافرت را ترک کند.

می‌دانید که در متعلق قسم رجحان لازم نیست، برخلاف متعلق نذر که شاید همگان فائلند که رجحان در آن لازم است. بنابراین طرفین قسم می‌تواند مساوی باشد لهذا سفر روز سه‌شنبه از جهت فعل و ترک می‌تواند مساوی باشد. در این مثال روشن است که سفر روز سه‌شنبه امری توصلی است نه تعبدی، و در این حالت دوران امر بین محذورین وجود دارد؛ یعنی اگر مسافرت برود احتمال اطاعت در آن می‌رود کما

اینکه احتمال عصیان نیز می‌رود. در ترک مسافرت نیز همین دو احتمال وجود دارد.

به تعبیر دیگر: موافقت قطعی در چنین حالتی با احتیاط کردن ممکن نیست کما اینکه مخالفت قطعی نیز امکان ندارد، همچنین موافقت احتمالی همواره حاصل است کما اینکه مخالفت احتمالی نیز همیشه حاصل است؛ زیرا اگر مکلف مسافرت برود محتمل است قسم او بر انجام مسافرت بوده باشد و موافقت احتمالی حاصل است و اگر قسم او بر ترک مسافرت بوده باشد مخالفت احتمالی حاصل است و همین‌طور در ترک مسافرت.

بالجمله فرد بارز دوران امر بین محذورین آن است که فعل و ترک یک عمل، محتمل الحرمة و محتمل الوجوب باشد در حالی که می‌دانیم تنها یکی از این دو موجود است.

مثال برای صورتی که یک طرف عمل، تعبدی باشد

فرض کنید امر زنی دائر بین حیض و استحاضه است. اگر این زن حائض باشد نماز خواندن بر او حرام است (بنابر این نظر که حتی صورت نماز بدون قصد قربت نیز بر حائض حرام است، هر چند این احتمال موجهی نیست) و اگر این زن مستحاضه باشد نماز بر او واجب است و چون نمی‌داند چه وضعیتی دارد امر او دائر بین فعل و ترکی است که یک طرف آن تعبدی است.

مثال برای صورتی که فعل و ترک تعبدی هستند

به عنوان مثال شخصی نداند که قسم یاد کرده است که با قصد قربت ترک سفر کند یا با قصد قربت به سفر برود.

این صورت‌ها از جهت آثار و یا احکام می‌تواند تفاوت‌هایی داشته باشد که با بررسی هر یک، روشن خواهد شد. همچنین هر یک از صور مذکور می‌تواند دو حالت داشته باشد:

۱- واقعه‌ی واحد باشد؛ مثلاً در صورت اول اگر مکلف فراموش کرده است که قسم یاد کرده تنها یک سه‌شنبه‌ی خاصی سفر برود یا نرود، در حقیقت یک سه‌شنبه و یک سفر است که امرش دائر بین وجوب و حرمت است.

۲- تعدد واقعه؛ مثلاً مکلف فراموش کرده است که قسم خورده است سه‌شنبه‌ها سفر برود (همه‌ی سه‌شنبه‌ها یا تعدادی از سه‌شنبه‌ها) یا سفر نرود. در این فرض، واقعه تعدد است و در هر واقعه، دوران امر بین محذورین است.

بررسی صورت اول

اگر واقعه واحد باشد و طرفین فعل و ترک توصلی باشند و مکلف نداند که قسم یاد کرده سه‌شنبه‌ی خاصی سفر برود یا ترک سفر کند، چه وظیفه‌ای دارد؟

قطعاً مکلف نمی‌تواند در این حالت احتیاط کند؛ زیرا نمی‌تواند هم به سفر برود هم نرود، پس احتیاط واجب نخواهد بود. مخالفت قطعیه نیز نمی‌تواند انجام دهد؛ یعنی نمی‌تواند هم عصیان رفتن سفر کند و هم عصیان ترک سفر کند؛ زیرا جمع بین نقیضین محال است.

از لحاظ تحلیلی، عقلاً و شرعاً هر یک از فعل و ترک دارای چه حکمی می‌باشند؟ آیا اگر به سفر رود سفر او محکوم به حرمت است شرعاً؟ یا محکوم به اباحه است عقلاً؟ یا هیچ‌کدام و تنها تخییر عملی عقلی دارد؟ و یا در این موارد باید یک طرف را اخذ کند؟ احتمالات بلکه چه بسا اقوال متعددی در این صورت وجود دارد.

اقوال در صورت اول مسئله

- ۱- قول اول آن است که تعیناً یک طرف (احتمال حرمت) را باید انتخاب کند.
 - ۲- قول دیگر آن است که شرعاً مخیر است.
 - ۳- قول سوم آن است که عقلاً مخیر است ولی شرعاً فاقد حکم است. این قول مرحوم نائینی است.
 - ۴- قول دیگر آن است که عقلاً مخیر است ولی شرعاً دو طرف مورد اباحه هستند. مرحوم آخوند این قول را قائلند.
 - ۵- قول دیگر معتقد است عقلاً و شرعاً در دو طرف اباحه جریان دارد.
- هر چند رسیدگی به این اقوال ثمره‌ی عملی ندارد مگر از حیث قول اول، اما از آنجا که در بررسی این اقوال نکات مفیدی وجود دارد، بدون افراط به بررسی این اقوال می‌پردازیم.

بررسی قول اول: تعیین طرف حرمت

قول اول معتقد است اگر کسی فراموش کند که آیا قسم بر سفر در روز سه‌شنبه‌ی خاصی یاد کرده یا قسم یاد کرده بر ترک سفر در چنین روزی، باید جانب حرمت را اخذ کند؛ به دلیل آنکه دفع مفسده اولی از جلب منفعت است.

ولکن این سخن صحیح نیست؛ زیرا این قاعده هیچ مدرکی از عقل و شرع ندارد. روشن است که در شرع هیچ آیه و روایتی نفرموده است دفع مفسده اولی از جلب منفعت است، همچنین عقل چنین حکمی

ندارد به دلیل آنکه در بسیاری از موارد عقلای عالم براساس عقل خود مفسده‌ای را تحمل می‌کنند تا منفعت فراوانی را به دست آورند. به عنوان مثال انسان‌ها برای به دست آوردن یک درّ گران‌بها حاضرند خود را به زحمت بیاندازند و دچار مفسده شوند، علاوه بر اینکه این در جایی است که مفسده احراز شده و می‌دانند مفسده وجود دارد، چه رسد به جایی که فرد مفسده‌ی محتمله را مرتکب شود تا منفعت محتمله‌ای را به دست آورد.

بنابراین قول اول نمی‌تواند صحیح باشد، مضافاً اینکه اگر ادله‌ای که در مورد سایر احتمالات بیان خواهیم کرد تمام باشد در مقابل این احتمال قرار خواهد گرفت و احتمال مفسده به معنایی که لازم الاجتناب باشد را دفع می‌کند.

و بالجمله این کبری که دفع مفسده اولی از جلب منفعت است را با این اطلاق قبول نداریم. همچنین در ما نحن فیه اساساً این قاعده کاربرد ندارد؛ زیرا ما نحن فیه، مفسده‌ی احتمالی و منفعت احتمالی وجود دارد و عقل یا عقلاً حکم نمی‌کنند که باید جانب احتمال مفسده را علی‌الاطلاق مقدم کنیم، چه بسا اگر واجب دارای اهمیت بالایی باشد احتمال جانب وجوب مقدم باشد. فرضاً اگر کسی عملی را انجام دهد تا پنجاه سال سلامت بدنی پیدا می‌کند ولی اگر این عمل حرام باشد نهایتاً این است که قدری دست او با خون نجس می‌شود، آیا در این مورد احتمال مفسده اولی از جلب منفعت است؟! خیر این کلام صحیح نیست. البته این نکته نباید مورد غفلت قرار گیرد که مراد از مفسده، غیر عقاب است و گرنه احتمال عقاب هم در فعل حرام و هم در ترک واجب است و از این نظر عدم امتثال هر یک هم‌سنگ دیگری است.

بررسی قول دوم: تخییر شرعی

مراد از تخییر شرعی چیست؟ آیا تخییر اصولی مراد است - یعنی باید یک طرف مسئله را در مقام فتوا انتخاب کرد - یا اینکه مراد، تخییر عملی است؟

اگر مراد از تخییر، تخییر اصولی است نظیر تخییری که برخی مانند مرحوم آخوند در خبرین متعارضین قائل شده‌اند، در ما نحن فیه این سخن بلا دلیل است؛ زیرا در مثل خبرین، دلیل خاصی مانند «إِذْنُ فَتْخِيرِ» در آن وارد شده است اما در ما نحن فیه چنین دلیلی وجود ندارد، پس وجهی برای تخییر اصولی نیست. اما اگر مقصود آن است که در مقام عمل، مکلف مخیر است، باز نیازمند دلیل است و صرف اینکه مکلف می‌داند این عمل یا واجب است یا حرام، کافی نیست تا گفته شود شارع حکم کرده است که مکلف

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۳، ح ۲ (۲۱۴۱۳).

در مقام عمل مخیر است؛ زیرا تخییر دارای ملاک است و وقتی می‌دانیم بیش از یک طرف، ملاکی ندارد قول به تخییر قول به غیر علم است. بنابراین قول به تخییر شرعی در ما نحن فیه فاقد دلیل خواهد بود.

بررسی قول سوم: تخییر عقلی بدون حکم شرعی

مرحوم نائینی این قول را پذیرفته‌اند. ایشان معتقدند در این صورت تخییر عقلی وجود دارد اما از جهت ظاهری حکم به اباحه و حلّیت نمی‌شود.

محقق نائینی معتقدند ادله‌ی شرعی براءت در اطراف محذورین جریان ندارد به دلیل آنکه لغو است و اثری بر آن مترتب نمی‌باشد؛ زیرا وقتی مکلف چاره‌ای ندارد که یا فعل را انجام دهد یا ترک کند و عملاً از یکی از آن دو خالی نیست اجرای براءت در هر دو طرف چه تأثیری دارد؟ آیا موجب می‌شود که هر دو را بتواند انجام دهد؟! آیا می‌تواند موجب شود مکلف بتواند هر دو را ترک کند؟!

بنابراین از آنجا که براءت هیچ تأثیری ندارد و لغو محض است جاری نیست.

مقرر: سید حامد طاهری